

راهبردهای دیپلماسی آب در تالاب بین‌المللی هامون

زهرا مشفق^۱

چکیده

از دیرباز رودخانه‌های مرزی همواره منشأ اختلاف بسیاری میان ایران و افغانستان بوده است. رودخانه مرزی هیرمند در مرز ایران و افغانستان و بحث تأمین حقایق ایران، منشأ برخی تنش‌ها میان دو کشور است. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که تسهیم آب در حوضه آبریز هیرمند افزون بر شرایط اقلیمی و ویژگی‌های حوضه آبریز، به شدت از مراودات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سیاست‌های ناکارآمد آبی دو کشور نیز اثرپذیر است. با توجه به چالش‌های موجود در شکل‌گیری وضعیت بحرانی حوضه آبریز هیرمند، تنها چانه‌زنی بر سر مسائل فنی و حقوقی نمی‌تواند وضعیت تسهیم آب در این حوضه و همچنین، احیای تالاب‌های هامون را در پی داشته باشد، بلکه نیاز است دو کشور به این فهم و آگاهی برسند که برای حفاظت و پایداری از محیط‌زیست تالاب‌های هامون باید سیاست واحدی به کار گرفته شود. از این‌رو راهکارهایی از جمله به‌کارگیری نگاه راهبردی در دیپلماسی آب، عدم وابستگی به کشور خارجی در تأمین آب آشامیدنی استان سیستان و بلوچستان، به‌کارگیری معامله برد-برد و هوشمندانه با افغانستان، تغییر الگوی کشت کشاورزی در منطقه سیستان و بلوچستان، به‌کارگیری راه‌حل دیپلماتیک و استفاده از فشارهای سیاسی و تغییر نگاه افکار عمومی در افغانستان توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی آب، ایران، افغانستان، حوضه آبریز هیرمند.

مقدمه

۱۱۱ در این باره قرار گرفته است. همچنین، توزیع دسترسی آب در داخل کشور به شدت نامتوازن است. عدم توازن در استفاده از آب اگر با ناکارآمدی در سطح سیاست‌گذاری همراه شود، به‌سادگی به تبعیض و افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی دامن می‌زند. این مسئله در حوضه‌های آبریز مرزی که میان دو یا چند کشور مشترک است، مناقشات سیاسی نیز به دنبال دارد. یکی از مسائل پرتنش در رودخانه‌های مرزی، تخصیص آب میان کشورهای ساحلی آن‌هاست.

خشکی پی‌درپی دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها، فرونشست زمین، از دست رفتن باغ‌ها و مراتع و چالش تأمین پایدار آب آشامیدنی با توجه به شدت پیامدهای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی آن، یکی از چالش‌های اساسی و عمیق کشور است. ایران در کمربند خشک و نیمه‌خشک زمین قرار دارد. سرانه آب تجدیدپذیر در ایران حدود یک‌سوم متوسط جهان است و ایران در میان ۱۸۰ کشور دنیا در رتبه

(۱۵ درصد) و پاکستان (۳/۶ درصد) مشترک است. این حوضه دارای رودهای متعددی است و به‌عنوان حوضه آبریز بین‌المللی شناخته می‌شود. اصلی‌ترین رودخانه این حوضه، هیرمند است که از بلندی‌های هندوکش سرچشمه می‌گیرد و در غرب کابل تا جنوب غربی افغانستان ادامه می‌یابد، وارد ایران می‌شود و در مرز ایران دو شاخه می‌شود.

رودخانه هیرمند به‌عنوان منبع اصلی تأمین آب تالاب بین‌المللی هامون و حوزه سیستان از افغانستان سرچشمه گرفته است و پس از پیمودن مسافتی و تشکیل مرز مشترک ایران و افغانستان، وارد تالاب بین‌المللی هامون می‌شود. تالاب بین‌المللی هامون از سه تالاب تشکیل شده است. ۱- هامون پوزک (در افغانستان واقع شده است)، ۲- هامون سابوری (مشترک میان ایران و افغانستان است) و ۳- هامون هیرمند (در ایران واقع شده است). سیستم طبیعی این سه تالاب به این شکل است که آب پس از ورود به تالاب هامون پوزک و پس از تکمیل آبریزی این تالاب، از هامون سابوری وارد هامون هیرمند در ایران می‌شود.

یکی از دلایل وضعیت کنونی تالاب هامون نقش وزارت نیرو در مدیریت منابع آبی و مناقشه‌های آبی است. متأسفانه وزارت نیرو که به‌عنوان متولی اصلی آب در رأس حکمرانی مدیریت آب کشور قرار داد، به آب به‌عنوان کالای اقتصادی نگاه می‌کند نه به‌عنوان منبع تجدیدپذیر.

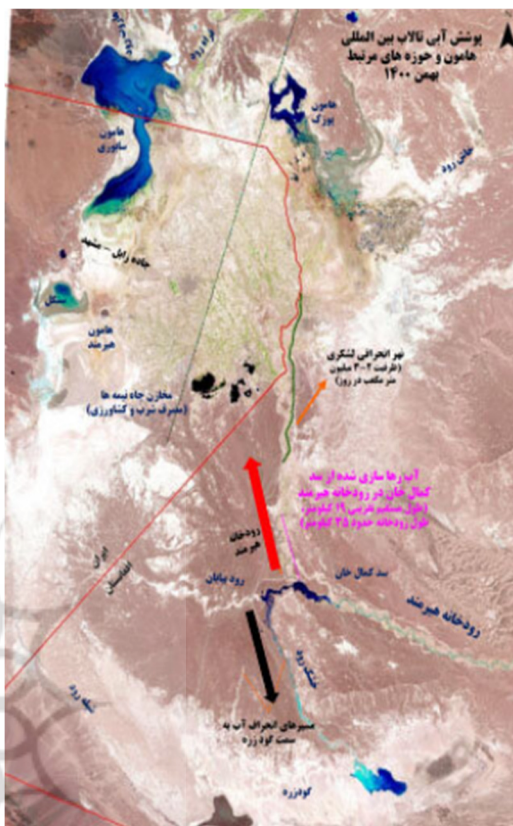
در میان منابع آبی مشترک، اهمیت رودخانه بین‌المللی هیرمند برای ایران و افغانستان در طول تاریخ و پس از انعقاد معاهده پاریس میان ایران و انگلیس در سال ۱۸۷۵، سبب شکل‌گیری تعاملات درهم‌تنیده‌ای میان دو کشور بر سر بهره‌برداری از این منبع مشترک شده است. با توجه به روند خشک‌سالی حوضه آبریز هیرمند، این حوضه به‌تدریج برای دولت‌های ایران و افغانستان به مسئله و بحران تبدیل شده و اختلاف بین دو کشور همسایه را در پی داشته است.

اختلاف میان ایران و افغانستان بسیار حائز اهمیت است. این اختلاف محدود به حکومت کنونی این کشور نمی‌شود و از زمان قاجار تاکنون وجود داشته است. در این گزارش که حاصل نشست‌هایی با کارشناسان حوزه محیط‌زیست و حقوق بین‌الملل است، تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که چطور می‌توان با به‌کارگیری دیپلماسی درست، منابع آبی ایران در حوضه آبریز هیرمند را تأمین کرد. در این راستا، پس از معرفی حوضه آبی هیرمند و نگاهی به چالش‌های مربوط به حقایق ایران، اصلی‌ترین زمینه‌های خشک شدن آب تالاب هامون و رودخانه هیرمند بررسی و راهکارهایی برای بهره‌برداری دستگام دیپلماسی کشور در راستای احیای تالاب بین‌المللی هامون ارائه شده است.

۱- معرفی حوضه آبریز هیرمند

حوضه آبریز هیرمند، حوضه آبریز بسته و به مساحت تقریبی ۴۰۰ هزار کیلومترمربع است. حوضه آبریز هیرمند بین سه کشور افغانستان (۸۲ درصد)، ایران

شکل ۱- حوضه آبریز هیرمند و تالاب بین‌المللی هامون



مأخذ: میان‌آبادی، ۱۴۰۰.

ظرفیت متوسط سالانه هامون را تأمین می‌کنند. این هامون‌ها از حیث تنوع زیستی و شرایط اکولوژیکی و تعدیل شرایط اقلیمی منطقه و از حیث معاش و رفاه مردم ساکن منطقه بسیار حائز اهمیت هستند و به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست‌کره به ثبت رسیده‌اند.

۲- تاریخچه تعاملات ایران و افغانستان در حوزه آب‌های مشترک

پس از معاهده ۱۸۵۷ پاریس که به ایران تحمیل و ایران ناگزیر از استقلال افغانستان شد، مسئله تقسیم آب روابط دو دولت را تیره کرد. بر اساس ماده ۶ این معاهده، ایران ناچار به قبول داوری انگلیس شد. پس از تشکیل کشور مستقل افغانستان در دوره قاجار و به دنبال آن شکل‌گیری مرزهای دو کشور، فرازونشیب‌های بسیاری در روابط سیاسی دو کشور برای چگونگی تقسیم آب میان دو کشور در منطقه سیستان پدید آمد. به دنبال خشک‌سالی دهه ۱۹۷۰، اختلاف ایران و افغانستان بیشتر شد تا اینکه با مساعی جمیله آمریکا، هیئت فنی بی‌طرفی متشکل از سه کارشناس انتخاب‌شده (کمیسیون دلتای رودخانه هیرمند) تشکیل شد. این کمیسیون در سال ۱۹۷۱ گزارش خود را اعلام و پیشنهاد ۲۲ مترمکعب آب در هر ثانیه را برای ایران ارائه کرد. در نهایت، در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۱)، معاهده تقسیم آب هیرمند بر اساس توصیه‌های کمیسیون یادشده به امضا رسید. بر اساس ماده ۲ این معاهده، افغانستان به‌طور متوسط متعهد به تحویل ۲۲ مترمکعب آب در ثانیه در سال نرمال آبی

به‌جز رودخانه هیرمند، رودخانه‌های خاش‌رود، هاروت‌رود، فراه‌رود، شوررود، حسین‌آباد و نهبندان از دیگر رودخانه‌های تأمین‌کننده منابع آبی و نیاز زیست‌محیطی تالاب بین‌المللی هامون هستند. در میان این رودخانه‌ها، رودخانه فراه‌رود پس از رودخانه هیرمند دومین سرشاخه مهم و پرآب حوضه آبریز هیرمند است که آب آن به سوی تالاب هامون سابوری جریان دارد. رودخانه هیرمند به‌تنهایی ۶ میلیارد مترمکعب از آب این تالاب را تأمین می‌کند و بقیه رودخانه‌ها حدود ۳ میلیارد مترمکعب از

۱. ملایم‌ترین روش مشارکت دولت ثالث در حل و فصل اختلافات بین‌المللی.

۴- در ماده‌های ۵ و ۶ این معاهده به اصل عدم ایراد خسارت تأکید می‌شود. براین اساس، افغانستان نباید اقدامی انجام دهد که ایران را از حقایق خودش بعضاً یا کلاً محروم کند. در این معاهده متأسفانه تعریف نشده است که این حقایق چه نوع حقایقی است. در ماده ۵ این معاهده، حقایق به‌طور کلی بیان شده و در ماده ۶ نیز به حقایق زراعت اشاره شده است. برای همین، برخی می‌گویند این حقایق، حقایق شرب و زراعت است و حقایق زیست‌محیطی نادیده گرفته شده است.

۵- یکی دیگر از تعهدات افغانستان تبادل اطلاعات است. افغانستان باید گزارش ماهانه از جریان آب را ارائه دهد و اگر ایران درخواست گزارش در سال‌های غیرنرمال را داشته باشد، متعهد به انجام دادن آن است که متأسفانه افغانستان این تعهد را نقض کرده است.

۶- تعهدات خاص ایران تنها عدم ادعا نسبت به گرفتن حقایق بیشتر از مقدار تعیین شده در معاهده است. بر اساس ماده ۵ این معاهده، ایران هیچ‌گونه ادعایی بر آب هیرمند (هلمند) بیشتر از مقداری که طبق این معاهده تثبیت شده است، ندارد.

۷- تعهدات مشترک ایران و افغانستان: ۱- احداث ابنیه فنی مشترک البته با توافق و همکاری قبلی تا افغانستان بتواند حقایق ایران را تأمین کند و تحویل دهد. ۲- در حل و فصل اختلافات مانند تمام معاهدات، تأکید ابتدایی بر حل و فصل اختلافات به صورت دیپلماتیک یا مساعی

است. افزون‌براین، افغانستان برای اثبات حسن نیت و تحکیم روابط برادرانه با ایران، خود را ملزم به ۴ مترمکعب آب اضافه‌تر کرد.

۳- تعهدات ایران و افغانستان در معاهده سال ۱۳۵۱ و موارد نقض

به‌طور کلی، محورهای اصلی معاهده هیرمند (معاهده سال ۱۳۵۱) شامل موارد زیر است.

۱- تعیین حقایق ایران از رودخانه هیرمند بر اساس معیار سال نرمال و غیرنرمال. سال نرمال در این معاهده، میزان جریان آب از آغاز اکتبر تا آخر سپتامبر سال بعد در موضع دستگاه آب‌شناسی دهرآود (بالتر از سد کجکی) تعریف شده است که در یک سال آبی در حوضه آبی هیرمند باید حدود ۶ میلیارد مترمکعب باشد.

۲- در معاهده ۱۳۵۱، تعهداتی برای افغانستان وجود دارد؛ میزان تعیین شده ۲۲ مترمکعب آب در هر ثانیه در سال نرمال به اضافه ۴ مترمکعب آب دیگر، از تعهدات افغانستان است. این مقدار در ماه‌های بهمن و اسفند به حداکثر می‌رسد و ۲۲/۶ مترمکعب آب در هر ثانیه است و در شهریور حداقل و برابر ۱/۹۸ مترمکعب آب در هر ثانیه است.

۳- تحویل مقادیر تعدیل‌شده حقایق ایران در سال‌هایی که به دلیل حوادث اقلیمی مقدار جریان آب سال نرمال از ۲۲ مترمکعب کمتر باشد (سال غیرنرمال).

با توجه به آنچه بیان شد، حقایق ایران در هیرمند مشخص و حق مسلم و صریح ایران است که در معاهده سال ۱۳۵۱ بیان شده است. در ساختار حوضه آبریز هیرمند، حقایق ایران از رود هیرمند، ۸۲۰ میلیون مترمکعب در سال است. بر اساس معاهده سال ۱۳۵۱ میان ایران و افغانستان، این ۸۲۰ میلیون مترمکعب بر اساس اندازه‌گیری در ایستگاه دهرآوود (سرشاخه هیرمند) است که البته در خشک‌سالی این میزان آب کمتر می‌شود، اما ایران به هیچ‌وجه به ایستگاه دهرآوود دسترسی ندارد. در رابطه با حقایق زیست‌محیطی باید گفت که این حقایق در هیچ معاهده عام بین‌المللی تعریف نشده است، اما بر اساس اسناد زیست‌محیطی، حقایق زیست‌محیطی جریان آب کافی، باکیفیت و زمان‌بندی شده تعریف شده که برای پایداری اکوسیستم‌های آبراهی و نیز حفظ رفاه مردم وابسته به این زیست‌بوم‌ها حائز اهمیت است. بر اساس تفسیری که از ماده ۵ معاهده هیرمند ارائه می‌شود، افغانستان مدعی است که در حقایق ۸۲۰ میلیون مترمکعبی، حقایق زیست‌محیطی نیز در نظر گرفته شده است، اما مسئولان ایرانی بر این اعتقادند که این حقایق فقط حقایق زراعت است. با توجه به اصول تفسیر معاهدات، به نظر می‌رسد که بر اساس متن معاهده هیرمند نمی‌توان به واقع معنای دقیق حقایق را متوجه شد، اما بر مبنای گزارش کمیسیون دلتا که در بخش قبلی اشاره شد، حقایق‌ای که برای آبیاری زمین‌های کشاورزی سیستان و بلوچستان لازم است، ۲۲ مترمکعب بر ثانیه است. بنابراین، اگر رأی گزارش کمیسیون دلتا مبنای تشکیل معاهده در

جمیله یعنی رجوع به مرجع ثالث است. اگر این دو روش به نتیجه نرسید، باید به حل‌وفصل اختلاف به روش حکمیت رجوع شود. تا به امروز تمایل ایران به روش حل‌وفصل اختلافات به روش حقوقی نبوده است. همان‌طور که اشاره شد، از جمله خلأهای معاهده سال ۱۳۵۱ این است که ۱- حوضه آبریز که تعریف مشخصی در حقوق بین‌الملل دارد، در این معاهده دیده نشده است. ۲- تعریف حقایق به‌طور دقیق صورت نگرفته است و ۳- شرایط بروز خشک‌سالی مشخص نشده است. دولت افغانستان مدعی است که خشک‌سالی است و سال آبی نرمال وجود ندارد، اما تصاویر ماهواره‌ای از ذخایر سد کجکی این موضوع را نشان نمی‌دهد. این موارد، دست افغانستان را باز می‌گذارد تا توجیهاتی درباره تأمین حقایق داشته باشد. در حال حاضر افغانستان مدعی است که به دلیل بروز خشک‌سالی‌های پیوسته و پایین آمدن سطح رود هیرمند حاضر به تأمین کامل حقایق ایران نیست؛ یعنی مدعی است که میزان آب در حدی نیست که در مواضع توزیع آب به ایران بتواند آبی تحویل دهد، اما بررسی بارش و دما (دو عامل اثرگذار بر خشک‌سالی) در ۱۳ سال اخیر در این حوضه آبی نشان می‌دهد که تغییرات زیادی در این دو متغیر وجود نداشته است (اندیک و میان‌آبادی، ۱۴۰۲) و ادعای افغانستان که به دلیل خشک‌سالی امکان تأمین آب وجود ندارد، محلی از اعراب ندارد؛ ضمن اینکه در حال حاضر طالبان به دلایل مسائل سیاسی اجازه بازدید کارشناسان ایرانی از این سد را نمی‌دهند.

مشخص شود اظهارنظرهای سیاسی درباره پایداری به قرارداد به معنای رعایت آن نیست. نخستین مورد، نقض ماده ۲ معاهده سال ۱۳۵۱ است. اگر میزان حقایق‌ای که افغانستان باید در دو سال به ایران بدهد، ۱۶۴۰ مترمکعب باشد، بر اساس تخمین‌های انجام‌شده این عدد حدود ۳۰ میلیون مترمکعب است. دوم، نقض ماده‌های ۵ و ۶ که افغانستان اصل عدم ایراد خسارت را نقض کرده است. سوم، نقض ماده‌های ۷ و ۱۱؛ یعنی افغانستان بدون موافقت ایران این‌گونه فنی احداث کرده است. طبق ماده ۱۱ این معاهده، در زمان خشک‌سالی و شرایط اورژانسی دو کشور باید همکاری کنند تا در آن زمان تحویل حقایق تعدیل شود. بر مبنای متن معاهده سال ۱۳۵۱، حقایق ایران مقید به نوع استفاده و مدیریت داخلی و کفایت ایران نیست و مطلق است و معاهده در این زمینه هیچ قیدی مطرح نکرده است. افغانستان مدعی است که ایران با اقداماتی از جمله احداث چاه‌نیمه‌ها در حوضه آبی هیرمند دچار تخلف شده است، فعل متخلفانه مستقل است، اما حقایق ایران تثبیت شده است.

۴- تحلیل چالش‌های حوضه آبریز هیرمند

حفاظت از محیط‌زیست مرز نمی‌شناسد. برای شناسایی و شناخت آنچه در شکل‌گیری بحران کنونی در حوضه آبریز هیرمند اثرگذار بوده است، باید ناکارآمدی‌ها و چالش‌ها از سمت دو کشور ایران و افغانستان بررسی شود. در ادامه، برخی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در شکل‌گیری وضعیت آبریز هیرمند تحلیل و بررسی می‌شود.

نظر گرفته شود، حقایق‌ای که در نظر گرفته شده، تنها حقایق زراعت است. همچنین، در خود گزارش کمیسیون دلتا اشاره شده است که روان‌آب‌هایی که از سمت شمال و غرب رودخانه هیرمند در جریان هستند، یعنی رودخانه‌های فراه، هاروت و خاش، برای تأمین حیات زیستی تالاب‌های هامون از تبخیر کفایت می‌کنند؛ یعنی به صورت ضمنی اشاره می‌کند که حقایق زیست‌محیطی تالاب هامون از دیگر رودخانه‌ها تأمین می‌شود. براین اساس، در معاهده هیرمند حقایق زیست‌محیطی دیده نشده است.

افزون بر آنچه گفته شد، در حال حاضر کنوانسیون‌هایی میان ایران و افغانستان تصویب شده مانند کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان سال ۱۹۷۲، کنوانسیون تنوع زیستی سال ۱۹۹۲ و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی که لازم‌الاجراست. با مراجعه به مفاد این کنوانسیون‌ها یک اصل مشترک میان آن‌ها وجود دارد و آن اصل استفاده منصفانه و معقول است که مبنای تشکیل حقوق آبراه‌های بین‌المللی است. براین اساس، دولت‌ها هنگام استفاده منصفانه و معقول از آبراه‌های بین‌المللی باید به اصل پایداری و حفاظت از اکوسیستم و آبراه‌ها توجه کنند. منظور از حفاظت از آبراه‌ها تنها اقدامات برای مقابله با آلودگی‌ها نیست، بلکه تنظیم جریان‌های آبراهی برای کنترل خشکی و نمک هم بخشی از اقدامات حفاظتی است. در نظر گرفتن حقایق زیست‌محیطی برای پایداری رودخانه‌ها اهمیت دارد که در اصل استفاده منصفانه و معقول هم تجلی یافته است. در ادامه، اقدامات نقض‌کننده معاهده سال ۱۳۵۱ از سوی افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد تا

۴-۱- تفکر حاکم بر وزارت نیرو

یکی از دلایل وضعیت کنونی تالاب هامون نقش وزارت نیرو در مدیریت منابع آبی و مناقشه‌های آبی است. متأسفانه وزارت نیرو که به‌عنوان متولی اصلی آب در رأس حکمرانی مدیریت آب کشور قرار داد، به آب به‌عنوان کالای اقتصادی نگاه می‌کند نه به‌عنوان منبع تجدیدپذیر. بر اساس اعلام کارشناسان حوزه زیست‌محیطی کشور، در حوضه آبریز زاینده‌رود که ۸۰۰ میلیون مترمکعب آورده طبیعی آن است، ۳ میلیارد مترمکعب آب فروخته شده است. مشخص است تا زمانی که تفکر وزارت نیرو مالکیت آب و نه مدیریت آن باشد، این حوضه توسعه نخواهد یافت؛ البته در ایران به دلیل مشکلات ساختاری، نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه آب متعدد هستند و مناقشه میان وزارت نیرو و نهادهای درگیر از جمله شورای عالی آب، وزارت جهاد کشاورزی و محیط‌زیست همواره وجود داشته است، اما وزارت نیرو به‌جای نقش تنظیم‌گری در این شرایط، خود را در یک طرف مناقشه قرار داده که این موضوع به مناقشه میان این نهادها دامن زده است.

۴-۲- اقدامات ضد توسعه‌ای ایران در حوضه آبریز

هیرمند

افغانستان قصد دارد تا در مجامع بین‌المللی این تصور را ایجاد کند که تمام مشکل و خشک‌سالی در حوضه آبریز هیرمند از چاه‌نیمه‌هایی (منبع ذخیره آب شرب استان سیستان و بلوچستان) است که ایران احداث کرده است. افغانستان ادعا می‌کند که ایران با مدیریت نامناسب و با احداث چاه‌نیمه‌ها به‌خصوص چاه‌نیمه چهارم و همچنین، ایجاد داکت برای طرح انسداد

مرزی روی هامون پوزک و هامون سابوری مسبب خشک‌سالی در حوضه آبریز هیرمند است. اقدامات ضد توسعه‌ای افغانستان و ایجاد خشک‌سالی در تالاب هامون خود یکی از عوامل اصلی احداث این چاه‌نیمه‌ها توسط ایران بوده است و ایران برای تأمین آب شرب مردم در زمان خشک‌سالی این چاه‌نیمه‌ها را احداث کرد، اما اشتباهی که از سوی مسئولان صورت گرفت این بود که تنها مسئله تأمین آب شرب مردم در نظر گرفته شد و با گسترش چاه‌نیمه‌ها و ایجاد چاه‌نیمه چهارم در سال ۱۴۰۰، انباشت آب به ۱/۶ میلیارد مترمکعب افزایش یافت که سبب خشک‌سالی در هامون نیز شد. در سال‌های گذشته به‌ویژه در مواقع سیلابی، بارها آب وارد هامون سابوری شد و با برخورد به خاک‌ریز ساخت ایران، آب به داخل خاک افغانستان برمی‌گشت و مانع رسیدن آب به داخل ایران و نیز تالاب هامون هیرمند شد. مشکل دیگر در هامون، شبکه گسترده زهکشی با میلیاردها تومان هزینه است؛ با این ادعا که با زهکشی، اراضی نمک‌زدایی و مناسب کشاورزی می‌شود. این مسئله باعث شد که گیاهان منطقه نابود شود و چشمه‌های تولید گردو و خاک افزایش یابد و سبب از دست رفتن اندک رطوبت تالاب هامون و افزایش برهنگی سطح شد.

۴-۳- سدهای بی‌رویه و طرح‌های

غیراصولی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی برای مهار آب‌های سطحی، نهضت سدهای ادامه یافت؛ به‌طوری که تاکنون بیش از ۶۵۰ سد در کشور ساخته شده یا در

از ۱۰۰ هزار هکتار به وسعت اراضی کشاورزی افزوده شده و بخش زیادی از آن کشت بسیار آب‌بر خشک‌خاش بوده که متوسط مصرف آب آن بیش از ۱/۵ برابر متوسط مصرف آب در بخش کشاورزی است. در استان سیستان و بلوچستان نیز اختصاص بخش زیادی از اراضی به کشت محصولاتمانند گندم و هندوانه با آب‌بری بالا یکی از چالش‌ها در مدیریت منابع آبی این استان است.

۴-۶- اقدامات ضد توسعه‌ای از سوی افغانستان

در افغانستان به دلیل ضعف در دولت‌های متعددی که در این کشور حاکم بوده‌اند و تنش‌ها و درگیری‌ها در داخل، مجالی برای مهار آب وجود نداشته است. در این‌بین، طالبان نقش بسیار پررنگی در اینکه سیاست‌های آبی دولت‌های حاکم بر افغانستان اجرایی نشود، داشته است. برای مثال، سد سلما که هند روی هریرود احداث کرد، چندین بار از سوی طالبان مورد حمله قرار گرفت. همچنین، به سد کمال‌خان که در سال ۱۴۰۰ اشرف غنی آن را افتتاح کرد، بارها به دلیل عملیات چریکی طالبان اجازه اتمام کار داده نمی‌شد تا اینکه در نهایت، با کمک گروه ویژه‌ای از کماندوهای آمریکایی و پوشش بسیار گسترده زمینی و هوایی و همچنین، با کمک سیمانی که ایران در اختیار آن‌ها گذاشت، این سد کامل شد و متأسفانه مسیر رودخانه هیرمند را تغییر داد. رود هیرمند تا پیش از احداث سد کمال‌خان اگر از سد کجکی سرریز می‌کرد، آب وارد تالاب هامون می‌شد،

دست مطالعه و ساخت است. دیدگاهی که منجر به تعداد زیاد سد در کشور شد، این است که اگر جلوی آب در رودخانه‌ها گرفته نشود، آب به‌طورکلی از دسترس خارج می‌شود. این در حالی است که تعداد زیادی از این سدها هرگز به‌طور کامل پر نشده‌اند. از پیامدهای این اقدام می‌توان به از بین رفتن رودخانه‌ها و شبکه‌های زیردست و به دنبال آن، فرونشست‌های نقطه‌ای متعدد زمین در کشور اشاره کرد. آمار منتشرشده از سوی رسانه‌ها و فرونشست سالانه ۲۵ سانتی‌متر در ایران (۶۲/۵ برابر میانگین جهان) تا حدودی اغراق‌آمیز و مبتنی بر آمار غیرعلمی است و مستند علمی برای آن وجود ندارد، اما فرونشست‌های متعدد در دورترین نقاط کشور، هشدارهایی است که باید جدی گرفته شود.

۴-۴- نبود شبکه برای جمع‌آوری آب‌های سطحی

یکی از نگرانی‌ها در حوضه آب هیرمند، برداشت زیاد از آب‌های زیرسطحی نسبت به میزان استاندارد و نبود تصفیه‌خانه و ایجاد شبکه برای مهار آب‌های سطحی است. در اتریش که سرانه آب آن ۱۸ برابر ایران است، ۱۹ برابر ایران فرایند بازگردانی آب^۱ صورت می‌گیرد. این در حالی است که حتی شبکه آب و فاضلاب در سیستان و بلوچستان بسیار فرسوده است به‌اندازه‌ای که هدررفت آب در این استان به ۴۷ درصد نیز می‌رسد.

۴-۵- عدم به‌کارگیری الگوی کشت بهینه

اقتصاد هر دو کشور ایران و افغانستان به شدت آب‌محور است. در سال‌های اخیر در افغانستان بیش

۱. یکی از راهکارهای استفاده دوباره از آب‌های مصرف‌شده در صنعت و مناطق مسکونی است که در آن تلاش می‌شود کیفیت پساب‌ها به حد مطلوبی برسد.

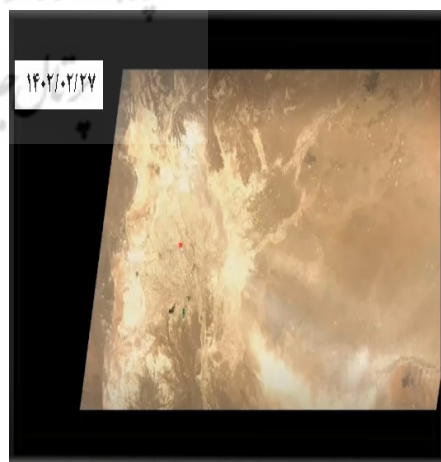
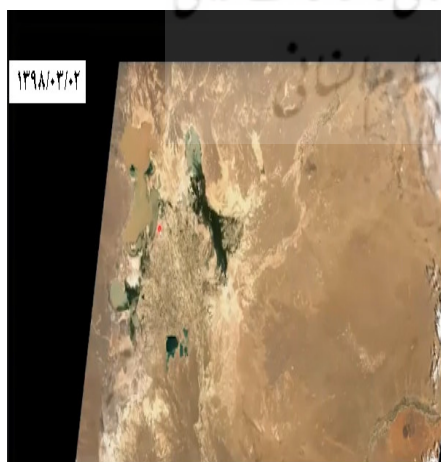
ظرفیت سالانه این سد حدود ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون مترمکعب است در حالی که آورده کل رودخانه فراه‌رود حدود ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب است؛ یعنی اگر این سد افتتاح شود، تقریباً هیچ آبی به هامون سابوری سرریز نمی‌شود و تقریباً حیات تالاب هامون از بین می‌رود. افزون‌براین، افغانستان افزایش ظرفیت سدها را با افزایش ارتفاع آن‌ها انجام داده است. در رابطه با سد کجکی با افزایش ارتفاع توانسته است گنجایش آن را دو برابر کند و از ۱/۸ میلیارد مترمکعب به ۳ میلیارد متر مکعب رسانده است.

برای ارائه تصویر روشن‌تر از پیامدهای سیاست‌های آبی افغانستان بر حوضه آبریز هیرمند، تصاویر ماهواره‌ای وضعیت تالاب هامون مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی تصاویر ماهواره‌ای سه هامون پوزک، سابوری و هیرمند در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۳ نشان می‌دهد که خشک‌سالی عمده‌ای در این سه هامون ایجاد شده است.

اما با احداث این سد دیگر آب وارد تالاب هامون نمی‌شود، بلکه وارد منطقه گودزره^۱ می‌شود و آب نه به سیستان می‌رسد و نه برای افغانستان قابل استفاده است. به عبارت دیگر، افغان‌ها آب را هدر می‌دهند تا قابل استفاده برای ایران نباشد.

افزون‌بر آنچه گفته شد، بر اساس اطلاعات در دسترس، افغانستان ۱۹ طرح توسعه‌ای در حال احداث یا اجرا شده در حوضه آبریز هیرمند و در بالادست تالاب هامون دارد که احداث دو سد کجکی و کمال‌خان از مهم‌ترین آن‌هاست. سد دیگری هم در فاصله این دو سد به نام سد گریشک وجود دارد که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. افزون‌بر رودخانه هیرمند که سدهای کجکی و کمال‌خان مهم‌ترین تأثیر را روی آن داشته‌اند، افغانستان به تازگی از سال ۲۰۱۹، در حال احداث سدی به نام بخش‌آباد روی رودخانه فراه‌رود است که اطلاعات زیادی از ظرفیت آن در دسترس نیست. بر اساس اطلاعات در دسترس،

شکل ۲- وضعیت تالاب هامون در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۳



مأخذ: water.Blue-dot-observatory

۱. نقطه انتهایی پایاب بزرگ، انتهای رودخانه ۱۱۵۰ کیلومتری هیرمند است.

سد کمال‌خان افغانستان برخلاف اینکه معمولاً دریاچه‌ها و سرریزهای سد به سمت پایین دست است، دریاچه‌ها را تغییر جهت ۹۰ درجه داده است. در صورتی که اگر آب مسیر طبیعی خود را می‌پیمود، به سمت ایران حرکت می‌کرد. افغانستان تنها به این کار بسنده نکرده و با ایجاد خاک‌ریز، مسیر طبیعی آب را دوباره منحرف کرده و انحراف ۱۸۰ درجه‌ای به آب داده است و آب به سمت گودزره سرریز می‌شود.

تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که گودزره در خرداد سال ۱۴۰۱ خشک بود، اما پس از یکسال، این تصاویر نشان می‌دهد که این منطقه دارای حجم عظیمی از آب است و سد کمال‌خان و نقطه انحرافی پایین دست آن هم دارای آب است. به عبارت دیگر، آب منحرف شده وارد گودزره شده است. در حال حاضر هیچ کشوری دولت طالبان را به رسمیت نمی‌شناسد و این گروه به هیچ معاهده بین‌المللی نیز متعهد نیست، اما باید توجه داشت که سد کمال‌خان در زمان دولت اشرف غنی با حمایت آمریکا ساخته شده است.

اقدامات ضد توسعه‌ای افغانستان و ایجاد خشک‌سالی در تالاب هامون خود یکی از عوامل اصلی احداث این چاه‌نیمه‌ها توسط ایران بوده است و ایران برای تأمین آب شرب مردم در زمان خشک‌سالی این چاه‌نیمه‌ها را احداث کرد.

یکی از نگرانی‌ها در حوضه آب هیرمند، برداشت زیاد از آب‌های زیرسطحی نسبت به میزان استاندارد و نبود تصفیه‌خانه و ایجاد شبکه برای مهار آب‌های سطحی است.

از سوی دیگر، بررسی تصاویر ماهواره‌ای نقاط کلیدی حوضه آبریز هیرمند برای ایران از جمله سدهای کجکی و کمال‌خان حاکی است که سد کجکی از سال ۲۰۱۷ تاکنون، نه تنها همواره میزان پذیرفتنی از آب را داشته است، بلکه این سد در سال ۲۰۲۳، در بالادست حوضه در پرآب‌ترین وضعیت خود قرار دارد. هرچه از سال ۲۰۱۹ به سمت سال ۲۰۲۳ حرکت می‌کنیم، ظاهراً دریاچه‌های سد بسته شده و به عمده اجازه ورود آب به پایین دست داده نشده است. وبگاه «واتر بلودات آبرویشن»^۱ نشان می‌دهد که در می سال ۲۰۲۳، ۱۰۰ درصد سد کجکی پر و سد ارغنداب هم در این زمان بر اساس اطلاعات وبگاه پر شده است.

درباره سد کمال‌خان، کارشناسان حوزه محیط‌زیست این هشدار را به سیاست‌مداران کشور دادند که افغانستان با احداث سد کمال‌خان قصد دارد مسیر رودخانه هیرمند را تغییر دهد و ایران باید در این باره هوشیار باشد و ضمانت‌های لازم را اخذ کند، اما متأسفانه وزارت نیرو به این موضوع توجه نکرد و منفعل عمل کرد و حتی ایران با ارسال سیمان به افغانستان، آن‌ها را در احداث این سد کمک کرد. در

1. water. Blue-dot-observer

شکل ۳- وضعیت سد کجکی در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳



مأخذ: water.Blue-dot-observatory

برای دولت بالادست تعهد ایجاد می‌کند که اصل اقدامات احتیاطی و اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی را در تمام کارهای خود در نظر بگیرد. اگر قرار است ثبات و پایداری در تالاب هامون به وجود آید، بدون حقوق بین‌الملل اختلافات آبی حل‌نشده است، اما حقوق بین‌الملل هم به تنهایی نمی‌تواند تمام اختلافات آبی را حل کند. حقوق بین‌الملل تنها ضمانت اجرا، الگو دهنده و تنظیم‌کننده است. در ایجاد رقابت برای همکاری میان کشورها باید ابزارهای دیگر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی استفاده شود. در این راستا، توصیه‌های سیاستی زیر برای بهره‌برداری سیاست‌گذار پیشنهاد می‌شود.

با احداث سد کمال‌خان دیگر آب وارد تالاب هامون نمی‌شود، بلکه وارد منطقه گودزره می‌شود و آب نه به سیستان می‌رسد و نه برای افغانستان قابل استفاده است. به عبارت دیگر، افغان‌ها آب را هدر می‌دهند تا قابل استفاده برای ایران نباشد.

بررسی اقدامات صورت‌گرفته افغانستان نشان می‌دهد که دست‌کم در چند سال اخیر آب محل چانه‌زنی برای افغان‌ها بوده است. تأسیسات و سازه‌های آبی در دوره طالبان تأسیس نشده است، اما روندها نشان می‌دهد خیلی تفاوت ندارد که چه حکومتی در افغانستان بر سر کار باشد و مسئله ایران و افغانستان بر سر آب، مسئله‌ای ثابت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

مسئله آب رودخانه هیرمند با توجه به تأثیرات آن بر امنیت غذایی، آبی، اقتصادی و محیط‌زیست تالاب هامون، از مهم‌ترین مسائلی است که روابط ایران و افغانستان را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به چالش‌های حوضه آبریز هیرمند که در این گزارش بررسی شد، حتی اگر کشور افغانستان روابط دوستانه با ایران داشته باشد، در صورت ادامه این روند، چشم‌انداز بلندمدت در این باره، خشک شدن آب رودخانه هیرمند و نرسیدن آب به ایران خواهد بود. در تمام ادوار حکومت افغانستان، وضعیت تسهیم آب هیرمند بدتر شده است. الزامات محیط‌زیستی

جلوگیری از مهاجرت مردم این منطقه، به سیاست‌گذاران توصیه می‌شود که برای تأمین آب آشامیدنی منطقه سیستان و بلوچستان، منابع آبی متنوعی را مدنظر قرار دهند تا وابستگی شدید به کشور خارجی برای تأمین آب شرب وجود نداشته باشد تا در هنگام چانه‌زنی با هر دولتی در افغانستان، نتوانند از این اهرم فشار استفاده کنند. طرح انتقال آب دریای عمان به شرق کشور در سال ۱۳۹۸ کلید خورد، اما متأسفانه پس از چهار سال این طرح پیشرفت زیادی نداشته است و در صورت تداوم روند کند فعالیت در این طرح‌ها باید سال‌ها منتظر بهره‌برداری از آن بود. با توجه به انتقادات زیاد زیست‌محیطی و اقتصادی به طرح انتقال آب و به‌کارگیری سازوکارهای جایگزین با ارزش افزوده بالاتر به‌جای طرح انتقال آب، توصیه می‌شود که پیش از بهره‌برداری از طرح انتقال آب، پیش‌شرط‌های لازم رعایت شود. از جمله این پیش‌شرط‌ها حذف یا کاهش تمام هدررفت‌ها در شبکه کنونی تأمین آب و افزایش اثربخشی مصرف آب کنونی است.

- به‌کارگیری معامله برد-برد و هوشمندانه با افغانستان: هر کشوری به هر اندازه هم غیرمنطقی و تندرو باشد از یک ابزاری متأثر می‌شود. سیاست‌مداران ایران باید به‌گونه‌ای عمل کنند که هر دولتی در افغانستان روی کار باشد، آن‌ها را به ایران وابسته کنند و در میز مذاکره قدرت چانه‌زنی داشته باشند. برای مثال، در حال حاضر افغانستان با کمبود برق و مواد غذایی روبه‌روست. بر مبنای ادعای سازمان ملل به‌زودی با حمله ملخ‌ها بخش بزرگی از

- نگاه راهبردی در دیپلماسی آب: بر مبنای قواعد و اصول بین‌الملل محیط‌زیست، دولت افغانستان متعهد است که حبابه زیست‌محیطی تالاب‌ها را تأمین کند، اما در حال حاضر راهکار اشتراک منافع و انعقاد معاهده‌ای در راستای حفاظت از تالاب هامون از طریق دیپلماسی مؤثر آبی بسیار حائز اهمیت است. شناسایی ظرفیت سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی برای تقویت همکاری میان کشورها مبتنی بر رویکرد زیست‌بوم بسیار مهم است. دولت‌های ایران و افغانستان باید به این آگاهی برسند که اگر مشکلات زیست‌محیطی به وجود آید، مرز نمی‌شناسند و باید سیاست واحدی وجود داشته باشد که سیستان، هرات، هیرمند و تمام منطقه به‌صورت بهینه از آب استفاده کنند. اگر امروز در سیستان و بلوچستان مسئله گردوغبار وجود دارد و اگر تالاب‌ها از بین بروند، افغانستان هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تصمیم‌گیران کشور در وزارت نیرو باید توجه داشته باشند که رقابت‌های آبی شاید در کوتاه‌مدت نیاز آبی را تأمین کند، اما در بلندمدت با از بین رفتن پایداری آن، زیست‌بوم کل کشور از منافع آن بی‌بهره خواهد شد.

- عدم وابستگی به کشور خارجی در تأمین آب آشامیدنی سیستان و بلوچستان: در حال حاضر افغانستان با بهانه خشک‌سالی حاضر است میلیون‌ها مترمکعب آب را سرریز به گودزره کند، اما آب وارد ایران نشود. این در حالی است که بر مبنای تصاویر ماهواره‌ای، گودزره و سد کجکی برخلاف ادعای افغانستان، در وضعیت پرآب خود قرار دارند. با توجه به لزوم حفظ جمعیت در مناطق مرزی و

مصرف آب برای آبیاری، کود و سموم شیمیایی در هر مترمکعب زمین باشد؛ البته عدم به‌کارگیری الگوی کشت مناسب در افغانستان نیز به شدت مشاهده می‌شود. بنابراین، تغییر الگوی کشت هم در ایران و هم در افغانستان باید در اولویت سیاست‌های آبی قرار گیرد.

- به‌کارگیری راه‌حل دیپلماتیک و استفاده از

فشارهای سیاسی: دستگاه دیپلماسی کشور باید

بتواند با دولت طالبان طبق منافع ملی عمل کند.

یکی از راه‌حل‌های دیپلماتیک، گسترش رایزنی با

کشورهای دیگر از جمله پاکستان است که با طالبان

در حوزه آب‌های مرزی تنش دارند. بدون شک

دولت‌های تاجیکستان، پاکستان و ترکمنستان

نسبت به موجودیت طالبان نگاه مثبتی ندارند. این

موضوع فرصت را مهیا می‌کند که ایران از همراهی

کشورهای منطقه استفاده و احقاق حقوق ایران را

تأمین کند. در سال‌های گذشته نهرها و کانال‌های

فرعی در مناطق مختلف افغانستان و روستاهای آن

گسترش زیادی داشته که به معنای این است که

آورده آب ایران در سیستان و بلوچستان کمتر شده

است. دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند فشار

سیاسی بر طالبان وارد آورد و آن‌ها را مجبور به

تجدیدنظر در سیاست‌های خود کند؛ البته این

منوط به دیپلماسی پویا و همراهی کارشناسان این

حوزه در سیاست خارجی کشور است. باید توجه

داشت که تنها مشوق‌های اقتصادی فایده ندارد،

بلکه نیاز به فشارهای بین‌المللی است. آب تنها یک

مسئله فنی نیست و نمی‌توان بازی‌های قدرت را

محصولات کشاورزی افغانستان از بین می‌رود.

افغانستان وابستگی مطلق به واردات انرژی دارد و با

وجود داشتن منابع نفت و گاز، امکان استحصال آن

را ندارد. ایران می‌تواند با استقرار توربین‌های بادی

در دشت سیستان و تولید برق، با افغانستان برای

تأمین برق وارد مذاکره شود و در مقابل حقه‌به‌مورد

نیاز را تأمین کند.

اگر قرار است ثبات و پایداری در تالاب

هامون به وجود آید، بدون حقوق

بین‌الملل اختلافات آبی حل‌نشده

است، اما حقوق بین‌الملل هم به تنهایی

نمی‌تواند تمام اختلافات آبی را حل

کند. حقوق بین‌الملل تنها ضمانت اجراء،

الگو دهنده و تنظیم‌کننده است.

- تغییر الگوی کشت کشاورزی در منطقه

سیستان و بلوچستان: در ایران به‌ویژه دشت

سیستان به دلیل کمبود بارندگی و محدودیت منابع

آب و نیز سهم بالای مصرف آب در بخش

کشاورزی، لزوم بهینه‌سازی الگوی کشت در

راستای مصرف بهینه آب بسیار ضروری و

اجتناب‌ناپذیر است. بررسی سالنامه‌های آماری

کشاورزی و بررسی‌های میدانی حاکی است که

تداوم الگوی کشت موجود در دشت سیستان به

کمبود بیشتر منابع آبی و خشک‌سالی در این منطقه

دامن می‌زند. انتخاب سطح زیر کشت محصولات

باید بر مبنای بیشینه‌سازی سود و حداقل‌سازی

منابع

- اندیک، بهنام؛ و میان‌آبادی، حجت. (۱۴۰۲). هیدروپلیتیک رودخانه کابل: نقش آب در تعاملات افغانستان و پاکستان. *نشریه مدیریت آب و آبیاری*، ۱۳(۲۵)، ۲۰۹-۲۳۷.
 doi: 10.22059/jwim.2023.350891.1029
- میان‌آبادی، حجت (۱۴۰۰). گزارش سازه‌های خاکی ایران مانعی برای ورود آب هیرمند به کشور. دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس.

در این حوزه نادیده گرفت. ایران باید تغییر راهبرد مشخص در خصوص افغانستان بدهد. اگر آب بخشی از سیاست خارجی ایران در برابر افغانستان است، نیاز به شکل‌گیری چرخشی است تا سیاست خارجی در خدمت آب باشد. این موضوع در گام نخست نیازمند پایش‌ها، رصدها و داده‌های عمیق است؛ ضمن اینکه مسائل امنیتی، هویتی، مناسبات اقتصادی و بازی قدرت‌های بزرگ نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

- **تغییر نگاه افکار عمومی در افغانستان:** مسئله آب در افغانستان مسئله ساده‌ای نیست. هرگونه بسته پیشنهادی منوط به داشتن فهم عمیق از مسئله آب است. بررسی افکار عمومی افغان‌ها نشان می‌دهد که حجم عظیمی از ایرانی‌ستیزی درباره تأمین حقابه ایران در حال وقوع است. متأسفانه رسانه‌های بین‌المللی اتفاقات میان ایران و افغانستان را به‌گونه‌ای پوشش می‌دهند که این ایران است که در مقام ظالم رفتار می‌کند. سیاست‌های آبی که در افغانستان دنبال می‌شود، پشتوانه افکار عمومی را نیز دارد و نه تنها در دولت طالبان، که در تمام ادوار آب مسئله هویت‌ساز بوده است. برای مثال، شعار «آب، آبروی ماست» شعاری بود که در سطح ریاست‌جمهوری افغانستان در زمان اشرف غنی ایجاد شد و پذیرش افکار عمومی را داشت. از این‌رو چگونگی مواجهه دستگاه دیپلماسی کشور با افکار عمومی در افغانستان نیز یکی از ابعاد مهم موضوع است و رصد افکار عمومی و تحولات در سطح جامعه افغان‌ها به سیاست‌گذاران کشور توصیه می‌شود.

